

بررسی نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی مقصد (نمونه مورد مطالعه: دهستان کلارآباد، شهرستان تنکابن، مازندران)

مصطفی قدمی^۱، ناصر علیقلی زاده فیروزجایی^۲، مهدی رمضان زاده لسبویی^۳

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۹/۱۱/۱۲)

چکیده

کیفیت زندگی به عنوان مفهومی چند بعدی و با اهمیت در زندگی جوامع امروزی، در بسیاری از رشته‌های علمی، از جمله گردشگری، مورد توجه قرار گرفته است. هدف این تحقیق، بررسی توسعه گردشگری و اثرات آن بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی در جامعه محلی دهستان کلارآباد از توابع شهرستان تنکابن است. این تحقیق به لحاظ روش، از نوع پیمایشی مبتنی بر استفاده از پرسش‌نامه و شاخص‌های ذهنی است. جامعه آماری شامل ساکنان نواحی روستایی با حجم نمونه ۲۲۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. به منظور تحلیل متغیرهای مورد مطالعه از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی تی استیودنت و آنوا با نرم‌افزار اس. پی. اس. اس استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد گردشگری در مقصد مورد مطالعه در اقتصاد و معیشت جامعه محلی از اهمیت بالایی برخوردار است و به عنوان عامل پیشران مهمی بر ابعاد متفاوت کیفیت زندگی، هم‌چون اشتغال و درآمد و کیفیت مسکن تأثیر مثبت و بر ابعاد بهداشتی و محیطی و کیفیت سلامت تأثیر منفی داشته است.

واژگان کلیدی: گردشگری، کیفیت زندگی، مقصد، دهستان کلارآباد، تنکابن.

مقدمه

مفهوم کیفیت زندگی، در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی و مباحث اقتصاد نوین مطرح شد و از دهه ۱۹۶۰ میلادی، در کشورهای اروپایی رواج یافت. این عبارت در برخی از جوامع پیشرفته، همراه و گاهی مترادف با عبارات‌های دیگری مانند بهزیستی همگانی، رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی و مانند آن به کار گرفته شد (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱). طی سالیان گذشته، کیفیت زندگی به مثابه هدف اصلی توسعه جامعه، ماهیت سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داده است (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰). کیفیت زندگی به معنای داشتن زندگی خوب و احساس رضایت است (جمشیدی و کرمی، ۱۳۸۰)؛ هم‌چنین کیفیت زندگی می‌تواند میزان واقعی رفاه تجربه‌شده افراد تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف شود (اسکلر و مولر، ۱۹۸۳). یکی از مشکلات محققان در به‌کارگیری مفهوم کیفیت زندگی، عملیاتی کردن آن است. به این منظور مجموعه‌ای از شاخص‌های عینی و ذهنی توسعه داده شد. این مفهوم به دلیل اهمیت و جایگاه آن در جوامع امروزی به سرعت در میان رشته‌های علمی پذیرفته شد. در این بین، بررسی نقش و کارکردهای گردشگری در سطح کیفیت زندگی جامعه میزبان، موضوع بسیاری از تحقیقات گردشگری بوده است. گردشگری با تأثیرگذاری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی مقصد، می‌تواند در ارتقا یا تنزل کیفیت زندگی جامعه محلی نقش برجسته‌ای ایفا کند. از این رو نقش‌آفرینی گردشگری در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی می‌تواند در قالب پیامدهای مطلوب و نامطلوب بررسی شود. هدف این مقاله بررسی نقش گردشگری در کیفیت زندگی جامعه محلی دهستان کلارآباد است. به این منظور، کارکردهای گردشگری بر ابعاد مفهوم کیفیت زندگی مقصد در قالب دو دسته از اثرات مطلوب و نامطلوب مورد توجه قرار گرفت.

^۱ استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران / Ghadami56@gmail.com

^۲ استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران

مبانی نظری

امروزه مطالعات زیادی درباره مفهوم کیفیت زندگی در سطح جهان صورت گرفته است (دلفیم، ۲۰۰۶: ۴۱۱؛ هیلز، ۱۹۹۵؛ بنزوال و دیگران، ۱۹۹۵؛ گنز و هانگ، ۱۹۷۸؛ روزن، ۱۹۷۹؛ ریدکر و هنینگ، ۱۹۶۷؛ پولینسکی و رایینفلد، ۱۹۷۷). از لحاظ تاریخی، اولین تلاش‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی، از جنبش شاخص‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ نشأت گرفته است (بایدومن، ۱۹۷۴: ۲۷؛ پارکی و شلدون، ۱۹۷۴: ۱۲۵؛ کیم، ۲۰۰۲: ۴۷). تعریف مفهوم کیفیت زندگی مشکل است، چرا که تجربه‌ای ذهنی است و وابسته به تصورات و احساسات فردی (اندرک و دیگران، ۲۰۰۷: ۴۸۴).

واژه کیفیت در لاتین (qual) به معنی چیزی و چه و quality به مفهوم چگونگی آمده است و qol از نظر لغوی، به معنی چگونگی زندگی است و دربرگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر شخصی منحصر به فرد، و با دیگران متفاوت است (کردزنگنه، ۱۳۸۵: ۲۰). برخی از نویسندگان کیفیت زندگی را مترادف با مفاهیمی هم‌چون بهزیستی، خوشنودی، رضایت از زندگی و حتی زندگی خوب می‌دانند. کیفیت زندگی معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده تعریف شده است (پال، ۲۰۰۵: ۲۲۵) و در واقع، ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه است که با اهداف، انتظارات و استانداردهای فرد ارتباط دارد. کیفیت زندگی میزان برخورداری فرد را نشان می‌دهد، البته نه فقط در چیزهایی که او به آن‌ها رسیده، بلکه تمام گزینه‌هایی که شخص فرصت انتخاب آن‌ها را دارد. به بیان دیگر، کیفیت زندگی وابسته به آزادی برای رسیدن و نرسیدن به موفقیت‌ها و اهداف و آگاهی از فرصت‌های واقعی است که فرد در مقایسه با دیگران دارد. در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی، زنده‌بودن مهم نیست، بلکه کیفیت زیستن دارای اهمیت است (کرامر، ۲۰۰۴: ۱۰۴). لذا هدف غایی مطالعه کیفیت زندگی و کاربرد متعاقب آن، این است که مردم قادر به داشتن زندگی‌ای با کیفیت بالا باشند؛ به طوریکه این زندگی هم هدفمند باشد و هم لذت‌بخش (پارکر و مور، ۲۰۰۵: ۲۳۸).

یکی از موانع به‌کارگیری مفهوم کیفیت زندگی، عملیاتی و اندازه‌گیری کردن آن در سطح جامعه است که در این زمینه تلاش‌های زیادی صورت گرفته است (میشل، ۲۰۰۳: ۱۹؛ پارکر و مور، ۲۰۰۵) و مجموعه‌ای از شاخص‌های ذهنی^۴ و عینی^۵ در این زمینه ارائه شده است. در این زمینه، شاخص‌های عینی براساس فراوانی یا کمیت فیزیکی، مثل درآمد، اندازه‌گیری می‌شوند و شاخص‌های ذهنی براساس پاسخ‌های روانی، هم‌چون رضایت شغلی و خوشحالی به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شوند (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۴). شاخص‌های ذهنی بینشی از رضایت فرد و هر آن‌چه برای مردم رضایت‌بخش است به دست می‌دهد (کینگ، ۲۰۰۲: ۵۷). کامینس (۱۹۹۷: ۳۰۳) هفت بعد کیفیت زندگی را تعریف می‌کند که شامل رفاه، بهداشت، خلاقیت، صمیمیت، امنیت، سعادت جامعه و سلامت روان می‌شود. با وجود اختلاف نظری فراوان، تحلیل اخیری که شالوک (۲۰۰۴) صورت داد، حاکی از آن است که توافق قابل توجهی درخصوص هشت بعد مرکزی در سنجش کیفیت زندگی میان محققان وجود دارد. او این نتیجه را با توجه به تحلیل شانزده مطالعه چاپ‌شده درباره کیفیت زندگی به دست آورده است. در مطالعات مورد بررسی شالوک، ابعاد هشت‌گانه مذکور از طریق ۱۲۵ شاخص مورد سنجش قرار گرفته‌اند. این ابعاد عبارت‌اند از:

۱. روابط بین شخصی
۲. پذیرش و ادخال اجتماعی
۳. رشد فردی
۴. احساس بهزیستی
۵. حق تعیین سرنوشت خود
۶. احساس بهزیستی مادی
۷. احساس بهزیستی عاطفی
۸. حقوق (شالوک، ۲۰۰۴؛ به نقل از ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۷۶).

مفهوم کیفیت زندگی ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی و اقتصادی دارد. ابعاد فیزیکی انسان در سطوح قدرت، انرژی، توانایی برای انجام فعالیت‌های روزمره، خود مراقبتی و علایم بیماری مانند درد مورد تفسیر و سنجش قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی نیز احساس بهبودی، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می‌شود. این در صورتی است که در بعد روان‌شناختی بیشتر نشانه‌های روان‌شامل اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی مورد سنجش قرار می‌گیرد. در بعد محیطی نیز کیفیت محیط زیست مورد واکاوی قرار گرفته و در بعد اقتصادی مؤلفه‌هایی چون میزان رضایت از درآمد، نوع شغل یا

4. Subjective

5. Objective

رضایت شغلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (دهداری، ۱۳۸۱: ۴۰). مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی ملل متحد در تعریف مفهوم کیفیت زندگی در مقیاس جهانی، نه بُعد اساسی را مطرح می‌کند که شامل تغذیه، مسکن، بهداشت، آموزش، تفریح و اوقات فراغت، محیط فیزیکی (خسارت‌ها و توانمندی‌ها)، تأمین (امنیت)، پایداری اجتماعی و درآمد می‌باشد (ویلیام، سلی و دیگران، ۱۹۸۰: ۱۰).

کیفیت زندگی به عنوان مفهومی چند بعدی و با اهمیت در زندگی جوامع امروزی، در بسیاری از رشته‌های علمی از جمله گردشگری نفوذ یافته است. بررسی رابطه میان گردشگری و کیفیت زندگی جامعه محلی مقصد، موضوعی است که در برخی از تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است (جانن و دیگران، ۲۰۰۴؛ کوهن، ۱۹۷۸؛ ویلیام و شاو، ۱۹۸۸؛ پدرو دیگران، ۲۰۰۳). و عموماً این رابطه در قالب سه جنبه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیطی طبقه‌بندی می‌شود. هدف از مطالعه کیفیت زندگی، تأکید بر این موضوع است که یک ناحیه نباید تنها از دیدگاه عینی و فیزیکی بررسی شود، بلکه باید از دیدگاه واکنش‌های ذهنی انسانی نیز مورد توجه قرار گیرد.

کروت و هولاند در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه گردشگری اثرات مثبتی بر شاخص‌های عینی کیفیت زندگی ساکنان محلی نظیر سلامتی، تفریح، خدمات و میزان فروش و کاهش سطح فقر داشته است (کیم، ۲۰۰۲: ۵۸). هم‌چنین پردیو، لانگ و گاستک، در مطالعه کیفیت زندگی مقصد، شاخص‌هایی عینی نظیر جمعیت، سطح درآمد، آموزش، سلامت، رفاه و میزان جرم و جنایت را اندازه گرفتند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد توسعه گردشگری باعث افزایش میزان مهاجرت جمعیت، تنوع شغلی، هزینه آموزش، بهبود سطح کلی آموزش و میزان تسهیلات مربوط به سلامت در مقصد شده است؛ اما بر توزیع سنی جمعیت، میزان بیکاری، هزینه‌های رفاهی و میزان جرم و جنایت اثری نداشته است (لانگ و دیگران، ۱۹۸۸: ۲۷).

رشد و توسعه فعالیت‌های گردشگری می‌تواند باعث بروز تغییرات عمیق در بسیاری از شاخص‌های عینی و ذهنی، ویژگی‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جوامع مقصد شود (ویلیام و شاو، ۱۹۸۸؛ پدرو و دیگران، ۱۹۹۹؛ اندرک، ۲۰۰۰: ۴۸۴؛ کیم، ۲۰۰۲: ۵۴). بدین روی، گردشگری به عنوان فعالیت پایه بالقوه‌ای که می‌تواند زمینه‌های اصلی بهبود سطح کیفیت زندگی ساکنان محلی را فراهم آورد، اهمیت دارد. نقش گردشگری در ایجاد کیفیت زندگی مطلوب، از طریق استانداردهای بالای سطح زندگی (لیو و وار، ۱۹۸۶: ۲۱۳) درآمدهای مالیاتی روزافزون، فرصت‌های شغلی بیشتر (میلمن و پیزام، ۱۹۸۷: ۱۹۱)، درآمد سرانه بالا، تنوع اقتصادی، ارتقا و بهبود سطح تسهیلات فراغتی، ارتقای کیفیت و توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی در جامعه (لنک فورد و هوارد، ۱۹۹۴: ۱۳۸؛ چوی، ۲۰۰۳: ۵۸)، تبادل فرهنگی، افزایش سطح آگاهی‌های مردم و گردشگران نسبت به یکدیگر (لیو و دیگران، ۱۹۸۷: ۱۹۵) و مانند آن، قابل اندازه‌گیری است. این شاخص‌های عینی خود نگرش مثبت ساکنان را در زمینه کیفیت زندگی تقویت خواهد کرد. با وجود این، توسعه گردشگری ممکن است اثرات و پیامدهای منفی را نیز در پی داشته باشد که معمولاً به این شکل‌ها در جامعه مقصد بروز می‌کند و سبب کاهش سطح کیفیت زندگی ساکنان می‌شود: تخریب منابع طبیعی و فرهنگی (چوی، ۲۰۰۳: ۵۳)، تهدید امنیت و سلامت جامعه از طریق افزایش میزان زباله و آلودگی، ازدحام و شلوغی، ترافیک سنگین و راه‌بندان، افزایش میزان جرم، نزاع و درگیری، آفت بهداشت (چوی، ۲۰۰۳: ۵۳؛ مک‌کول و مارتین، ۱۹۹۴: ۳۰؛ کینگ و دیگران، ۱۹۹۳: ۶۵۰)، افزایش قیمت مستغلات و هزینه مسکن و زمین، افزایش هزینه زندگی (لیو و وار، ۱۹۸۶: ۲۱۳؛ چوی، ۲۰۰۳: ۵۴)، زوال فرهنگ سنتی و اعتقادات و باورهای سنتی میزبان (گمپر، ۱۹۸۱: ۴۳۲؛ تراویس، ۱۹۸۴: ۲۲؛ متیسون و وال، ۱۹۸۲: ۳۲)، کپی‌برداری از الگوی مصرف گردشگران و کاهش روابط و انسجام خانوادگی و اخلاقیات اجتماعی (متیسون و وال، ۱۹۸۲: ۱۲؛ لیو و دیگران، ۱۹۸۷: ۲۱۳)، گسترش بیماری‌های اجتماعی چون گدایی، قمار، قاچاق، فحشا، تجاری‌شدن یا کالایی‌شدن فرهنگ، تجاری‌شدن روابط میزبان و میهمان (تسارتاس، ۱۹۸۹: ۵۲۰؛ چوی، ۲۰۰۳: ۵۵؛ متیسون و وال، ۱۹۸۲: ۳۳؛ ایپ و کرومپتون، ۱۹۹۳؛ مک‌کول و مارتین، ۱۹۹۴؛ رز، ۱۹۹۲؛ تومن، ۱۹۹۷).

سطح کیفیت زندگی جامعه محلی با مراحل مختلف مدل چرخه حیات گردشگری در ارتباط است (جانن و دیگران، ۲۰۰۳: ۲۴۳). در نظریه‌های متعدد چرخه حیات گردشگری، که عموماً بر ظرفیت تحمل اجتماعی استوارند، اعتقاد بر این است در طول مراحل اولیه توسعه، تغییرات مثبتی در سطح کیفیت زندگی ساکنان مقصد ایجاد می‌شود، ولی در ادامه، زمانی که

6. Life cycle model

ظرفیت تحمل یا سطح تغییرات قابل قبول جامعه به آستانه خود برسد، تغییرات منفی ناشی از توسعه گردشگری در جامعه نمایان خواهد شد و به تدریج کیفیت زندگی ساکنان مقصد تنزل خواهد کرد (ریچارد و دیگران، ۱۹۹۹: ۱۶۵؛ باتلر، ۱۹۸۰؛ اسمیت، ۱۹۹۲). به طور کلی کارکردهای گردشگری در پیوند با سطح کیفیت زندگی جامعه محلی، می‌تواند با پیامدهای مطلوب و نامطلوب همراه باشد و این امر به شدت بر نحوه نگرش جامعه میزبان تأثیر خواهد گذاشت. اهمیت این موضوع از آن جهت است که در ادبیات گردشگری، همواره بر نقش و اهمیت نگرش جامعه محلی به عنوان یکی از ارکان موفقیت توسعه گردشگری تأکید شده است (ایپ و کرومیتون، ۱۹۹۳؛ هال، ۱۹۹۴؛ گنز، ۱۹۹۴؛ هارالمبیلوس و پیزام، ۱۹۹۶؛ مورفی، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳؛ شلدون و وار، ۱۹۸۵). ساکنان، بازیگران مهمی هستند که بر موفقیت و شکست گردشگری محلی تأثیر می‌گذارند و بررسی نگرش‌شان درباره اثرات توسعه گردشگری ضروری است (ایپ، ۱۹۹۰: ۱۰؛ چوی، ۲۰۰۳: ۱۸). اهمیت نسبی نگرش ساکنان محلی، نسبت به گردشگری در جذابیت کلی نواحی توریستی در مطالعات زیادی مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. این موضوع در مطالعات مربوط به منطقه هاوایی، یکی از مهم‌ترین عوامل بعد از زیبایی‌های طبیعی، آب و هوا و زیرساخت‌ها معرفی شد (لیو و وار، ۱۹۸۶: ۱۹۴).

۳. محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این تحقیق، دهستان کلارآباد واقع در بخش عباس‌آباد شهرستان تنکابن است. این ناحیه از طرف شمال به دریای خزر و از طرف جنوب به پوشش جنگلی و ارتفاعات البرز محدود می‌شود. این دهستان در سال ۱۳۸۵ دارای ۳۶۶۲۵ کیلومتر مربع مساحت، ۱۸ نقطه روستایی، ۲۳۹۴ خانوار و ۸۴۷۱ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). قرار گرفتن در مرز بین دو شهرستان تنکابن و چالوس، نزدیکی به مکان‌های گردشگری مانند کلاردشت، شهر توریستی نمک‌آبرود و جاده چالوس، امروزه این دهستان را به عنوان یکی از مقاصد اصلی گردشگری داخلی مطرح کرده است. سکونتگاه‌های روستایی این ناحیه در سطح جلگه و در حدفاصل ارتفاعات جنگلی و دریا و سواحل دریا استقرار دارند. گونه‌شناسی گردشگری در این حوزه «طبیعت‌گردی»^۷ است و به دو شکل عمده گردشگری عبوری (فاقد امکانات اقامتی) و خانه‌های دوم (عمدتاً شهرک‌های گردشگری) دیده می‌شود که در طی دهه ۱۳۷۵ به بعد شکل انبوه به خود گرفته است. به طور کلی در این حوزه گردشگران گذری و خانه‌های دوم از نوع مجتمع (شهرک‌های گردشگری) عمدتاً در روستاهای ساحلی و خانه‌های دوم از نوع پراکنده، در روستاهای جنگلی تمرکز یافته‌اند. روستاهای این حوزه برحسب میزان و نحوه عرضه منابع گردشگری، به طور متفاوتی، از بازارهای گردشگری متأثر شده‌اند، به طوری که روستاهای ساحلی با عرضه قوی‌تر منابع، تحت تأثیر عمیق‌تر این پدیده قرار گرفته‌اند.

۴. روش‌شناسی

روش این تحقیق از نوع پیمایشی با استفاده از شاخص‌های ذهنی مبتنی بر پرسش‌نامه است. علاوه بر این، به منظور تدقیق و عمق‌بخشی به تحلیل‌ها، هر متغیر یا گویه، از طریق بازدیدهای میدانی و تهیه چک‌لیست وضعیت مورد بررسی قرار گرفت. هدف این تحقیق بررسی اثرات و اهمیت گردشگری در بروز تغییرات در سطح کیفیت زندگی جامعه محلی مورد مطالعه است. این تحقیق برای پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی زیر انجام شده است:

۱. نقش و اثرات گردشگری بر تغییرات کیفیت زندگی جامعه محلی چیست؟
 ۲. متغیرهای مؤثر بر درک و نگرش جامعه محلی به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی کدام‌اند؟
- کل جامعه آماری شامل افراد بالای ۱۸ سال و سه گروه افراد مطلع محلی، بازاری و خانوارهای ساکن معمولی، به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی با حجم نمونه ۲۲۰ نفر (روش کوکران) مورد پرسش قرار گرفت. در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۶ برآورد شده است.
- برای درک اهمیت و جایگاه فعالیت‌های گردشگری در حوزه مورد مطالعه، از سه گویه وابستگی اقتصادی خانوار به

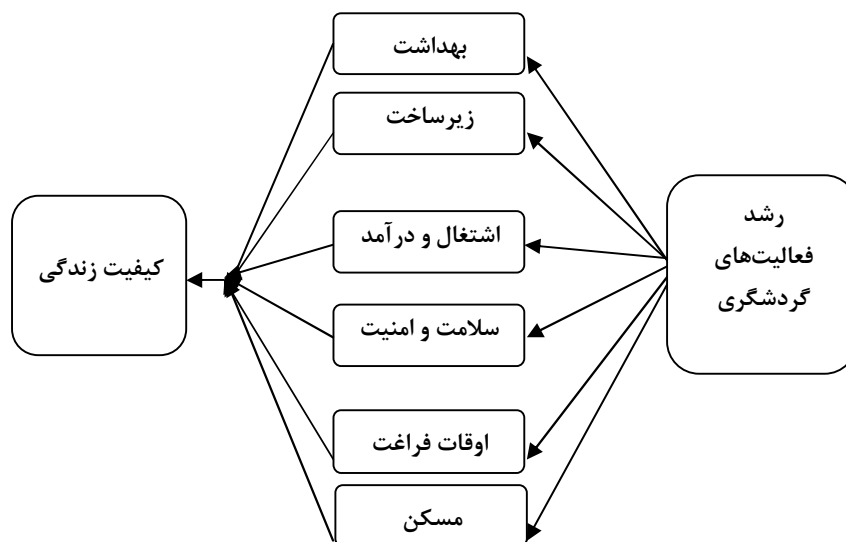
7. Nature based tourism

گردشگری، وابستگی کل حوزه مورد مطالعه به گردشگری و اهمیت گردشگری در حوزه، استفاده شده است. هم‌چنین کیفیت زندگی جامعه میزبان با استفاده از شش مؤلفه کیفیت سلامت و امنیت، کیفیت مسکن، کیفیت بهداشت، کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت اشتغال و درآمد و کیفیت گذران اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفت. براساس هدف تحقیق و بررسی میدانی اولیه، به منظور جمع‌آوری، تحلیل و استنتاج داده‌ها، بسته به نوع داده، مقیاس متغیرها و اهداف مورد نظر، از روش آماری توصیفی نظیر میانگین رتبه پاسخ‌ها، روش‌های تحلیل آماری نظیر تی نمونه‌ای و تحلیل واریانس استفاده شده است.

جدول ۱. ابعاد و گویه‌های مورد بررسی در پژوهش

ابعاد	گویه‌ها
اهمیت و جایگاه گردشگری در حوزه	وابستگی اقتصادی خانوار به فعالیت‌های گردشگری، وابستگی اقتصاد منطقه مورد مطالعه به فعالیت‌های گردشگری، نگرش ذهنی ساکنان به اهمیت گردشگری در حوزه
امنیت و سلامت	مصرف هفتگی مواد پروتئینی (گوشت و ماهی)، مصرف هفتگی میوه و سبزیجات، برخورداری از خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه، حمام...)، دسترسی به پاسگاه پلیس در لحظات اضطراری، وجود اتحاد و انسجام، امنیت جانی و مالی، حضور پزشکان متخصص
کیفیت مسکن	سیستم گرمایشی و سرمایشی، مساحت، طراحی فنی، عدم ساخت در اراضی دارای شیب، قرار نگرفتن مسکن در محدوده خطر سیلاب، احساس آرامش در مسکن، رضایت از استحکام مصالح، میزان رضایت از نور و روشنایی مسکن
بهداشت محیط	برخورداری از جایگاه دفع زباله، برخورداری از روش‌های بهداشتی جمع‌آوری و دفع فاضلاب، اتلاف و آلودگی منابع آب، تخریب و فرسایش خاک، تخریب سواحل، تخریب چشم‌انداز، دورریز زباله
کیفیت زندگی	راه ارتباطی مناسب، دسترسی به وسایل حمل و نقل مناسب، طی کردن فاصله زمانی محدود برای دسترسی به شهر، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، برخورداری از جایگاه توزیع مواد سوختی، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک، وام، صندوق قرض‌الحسنه)
اشتغال و درآمد	رضایت از درآمد، امید به آینده شغلی، رضایت شغلی، داشتن سلامتی جسمانی برای انجام فعالیت، داشتن پس‌انداز مناسب
تفریح و تفرج	وجود امکانات مناسب ورزشی، وجود امکانات مناسب فرهنگی و هنری (کتابخانه)، توان انجام مسافرت سالانه به همراه خانواده، حضور در فضاهای تفریح‌گاهی، کیفیت سواحل و تأسیسات پلاژ برای گذران اوقات فراغت

شکل ۱. نقش گردشگری در تغییرات ابعاد کیفیت زندگی دهستان کلارآباد



یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در بخش روش تحقیق ذکر شد، متغیر مستقل این تحقیق، فعالیت‌های گردشگری و رشد آن در محدوده مورد مطالعه است. به این منظور جایگاه گردشگری در اقتصاد و معیشت جامعه محلی و سطح وابستگی مقصد و جامعه محلی به فعالیت‌های گردشگری، با استفاده از شاخص‌های ذهنی و پرسش‌نامه از جامعه نمونه و انجام مصاحبه با نخبگان محلی، تعیین شد. به عبارت دیگر، از جامعه نمونه و افراد مطلع محلی خواسته شد تا وضعیت موجود فعالیت‌های گردشگری و جایگاه و اهمیت گردشگری در حوزه زندگی‌شان را بیان کنند. بنابراین، نظر جامعه نمونه در مورد سه گویه زیر جمع‌آوری شد: ۱. وابستگی اقتصادی خانوارهای محلی به فعالیت‌های گردشگری ۲. وابستگی اقتصاد حوزه مورد مطالعه به فعالیت‌های گردشگری ۳. نگرش^۸ ساکنان به سطح توسعه گردشگری در محل زندگی‌شان. با تلفیق داده‌های جمع‌آوری شده سه گویه فوق، میانگین ۱۰ در مقایسه با سطح متوسط گویه (ارزش تست = ۹) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است و نشان می‌دهد رشد فعالیت‌های گردشگری و جایگاه آن در اقتصاد و معیشت محلی از نظر جامعه نمونه آماری مورد تأیید قوی است. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه تفاوت معنی‌داری را میان گروه‌های اجتماعی، شامل افراد مطلع محلی، کسبه محلی و خانوارهای ساکن معمولی نشان نمی‌دهد ($\text{sig} > 0.05$) و این نشان از توافق جمعی در تأیید نقش آفرینی و سهم کلیدی گردشگری در حوزه مورد مطالعه دارد.

جدول ۲. اهمیت و جایگاه گردشگری در معیشت ساکنان دهستان کلارآباد (آزمون تی تک نمونه‌ای)

نتیجه آزمون	معرف				
	ارزش پی	مقدار تی	ارزش تست	تعداد	میانگین پاسخ‌ها
رد فرضیه صفر	۰.۰۰۰	۶.۰۳۷	۹	۲۲۰	۱۰

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، رشد فعالیت‌های گردشگری، اثرات معنایی بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی در مقصد مورد مطالعه بر جای گذاشته است که مجموعاً در قالب اثرات مطلوب و نامطلوب قابل بررسی است. معرف‌های مربوط به متغیر وابسته این تحقیق، ترکیبی از شش معرف کیفیت زندگی شامل امنیت و سلامت، کیفیت مسکن، بهداشت محیط، زیرساخت‌ها، اشتغال و سطح درآمد، تفریح و گذران اوقات فراغت است.

در این تحقیق، معرف سلامت و امنیت به عنوان مؤلفه‌ای مهم از کیفیت زندگی، با استفاده از گویه‌هایی چون مصرف هفتگی مواد پروتئینی (گوشت قرمز و ماهی)، مصرف هفتگی میوه و سبزیجات، برخورداری از خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه، حمام،...)، حضور نیروی انتظامی، سطح همیاری در مسایل بهداشت و سلامت محل، میزان امنیت جانی و مالی اهالی و حضور پزشکان متخصص در محل مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد در فصول گردشگری به دلیل افزایش تقاضای گردشگران برای انواع خدمات و محصولات محلی، قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد و این امر تأثیر مثبتی در میزان مصرف هفتگی مواد پروتئینی (مصرف گوشت قرمز و ماهی) و میزان مصرف هفتگی میوه و سبزیجات بر جای گذاشته است. در مورد سایر متغیرهای تحقیق، تأثیر گردشگری معنی‌دار نیست و حتی از نظر ساکنان محل، به دلیل تردد پر حجم گردشگران به ویژه در فصول دارای بیشترین مسافر، گردشگری پیامدهای نامطلوبی بر سطح امنیت جانی و مالی ساکنان به همراه داشته است. در این مورد، مجموع میانگین‌های مشاهده شده (۱۶/۲) سطحی پایین‌تر از میانگین مورد انتظار (۱۸) داشته است. این امر نشان می‌دهد گردشگری در مقصد مذکور در سطح ۹۵ درصد اطمینان نتوانسته به طور مؤثر، در وضعیت متغیرهای سلامت و بهداشت بهبود ایجاد کند. در این زمینه، نتایج آزمون آنوای یک‌طرفه نیز توافق معنادار بین ساکنان را تأیید می‌کند. این یافته با نتایج تحقیقات مک‌کول، چوی، تومن، متیسون و وال مبنی بر نقش منفی گردشگری در ارتباط با شاخص‌های سلامت و امنیت در مقاصد گردشگری، هم‌سو است (ر.ک. مبنای نظری).

⁸. Attitude

درآمد و اشتغال از دیگر مؤلفه‌های کیفیت زندگی است که در بسیاری از تحقیقات بر اهمیت آن تأکید شده است. در این تحقیق، تأثیر گردشگری بر معرف‌های درآمد و اشتغال ساکنان محلی با استفاده از گویه‌های مرتبط با رضایت از سطح درآمد، امید به آینده شغلی، رضایت شغلی، داشتن سلامت جسمانی برای انجام فعالیت و داشتن پس‌انداز کافی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله اولین اثرات مورد انتظار از رشد گردشگری در هر حوزه جغرافیایی، تغییرات مثبت در سطح درآمد سرانه و میزان اشتغال در جامعه میزبان است. طرفداران گردشگری، در فرآیند توسعه ناحیه‌ای و ملی همواره بر اثرات مطلوب آن بر سطح درآمد و اشتغال ناحیه مقصد تأکید دارند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رشد فعالیت‌های گردشگری در حوزه کلارآباد تغییرات مثبت و مطلوبی در زمینه سطح درآمد سرانه و میزان اشتغال جامعه محلی به دنبال داشته است. از نظر جامعه محلی، رشد فعالیت‌های گردشگری با افزایش درآمد سرانه مردم، سبب افزایش سطح رضایت عمومی از درآمد سالانه شده است و در نتیجه میزان امید به آینده شغلی در جامعه محلی بالا است. هم‌چنین جامعه محلی در اثر خدمت‌رسانی به گردشگران، از پس‌انداز کافی سالانه ابراز خرسندی داشته‌اند. درباره معرف مذکور، مجموع میانگین‌های مشاهده شده (۱۵.۲) بالاتر از سطح میانگین مورد انتظار گویه‌ها است. این امر نشان می‌دهد تأثیر مطلوب و مثبت فعالیت‌های گردشگری و رشد آن در زمینه بهبود وضعیت متغیرهای درآمد و اشتغال جامعه محلی حوزه کلارآباد در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است. نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد میان سه گروه جامعه محلی، مبنی بر نقش گردشگری در زمینه معرف مذکور تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. تحقیقات لانک‌فورد، چوی و هوارد، نتیجه مشابهی را در زمینه نقش گردشگری در بهبود سطح اشتغال و درآمد ساکنان محلی نشان داده است (ر.ک. مبانی نظری).

در حالیکه نقش گردشگری به عنوان عامل پیشران^۹ در تغییرات اقتصادی مقاصد مورد توجه و تأکید است، پیامدهای نامطلوب آن به‌ویژه در زمینه بهداشت و کیفیت محیط، مورد انتقاد بسیاری به‌ویژه طرفداران محیط زیست است. در این تحقیق کارکردهای نامطلوب گردشگری در سطح کیفیت زندگی ساکنان محلی در مورد متغیرهای بهداشت و کیفیت محیطی مصداق یافته است. در فصول دارای بیشترین گردشگر، به دلیل بی‌توجهی گردشگران به حفظ زیبایی و پاکیزگی محیط زندگی ساکنان محلی، حجم زباله و مواد زاید رهاشده به شدت افزایش می‌یابد. این در حالی‌است که گردشگران خانه دوم^{۱۰} حتی در زمینه کمک به مدیریت دفع زباله و فاضلاب، که خود باعث تشدید آلودگی‌های آن شده‌اند، هیچ کمکی به ساکنان محلی نکرده‌اند. این نکته‌ای است که ساکنان محلی شکایت و آزرده‌گی بسیاری از آن دارند. در واقع رفتار گردشگران در راستای تأمین نیازهای تفریحی و لذت‌جویی از محیط، بدون توجه به الزامات و مقتضیات اخلاقی گردشگری در مقصد، نوعی رفتار غیرمسئولانه تلقی می‌شود که در تضاد با اصول گردشگری پایدار، احتمال تقابل و تنش میان جامعه میزبان و میهمان را افزایش می‌دهد. تأثیر گردشگری بر کیفیت محیط مقصد مذکور، عمدتاً تحت تأثیر فعالیت گردشگران خانه دوم و متعاقب آن، بورس‌بازی زمین و ویلا است. دست‌اندازی به حریم منابع طبیعی به‌ویژه حریم دریا، بارگذاری سازه‌های سنگین و تخریب سواحل و ساخت و ساز در حریم منابع آب و آلودگی آن، تغییر مورفولوژی زمین و تخریب خاک به منظور احداث ویلا، هم‌چنین تغییرات کاربری اراضی زراعی و باغات به ویلا، در نهایت نه تنها تخریب چشم‌اندازهای بکر طبیعی را در پی داشته است، بلکه با خصوصی کردن سواحل، میزان دسترسی مردم، حتی جامعه محلی را به سواحل محدود کرده است. مجموع میانگین حاصل از گویه‌های تحقیق در سطح ۱۰.۸، بسیار پایین‌تر از متوسط مورد انتظار گویه‌ها (۲۱) است. براساس نتیجه آزمون تی استیودنت، این امر نشان می‌دهد وضعیت معرف بهداشت و کیفیت محیطی در حوزه کلارآباد، در اثر فعالیت‌های گردشگری در سطح ۹۵ درصد اطمینان در وضعیت نامطلوبی است. خروجی آنوای یک‌طرفه نیز توافق جمعی جامعه محلی را درباره پیامدهای نامطلوب گردشگری در وضعیت معرف بهداشت و کیفیت محیطی مقصد نشان می‌دهد. هم‌سو با این نتیجه، از دهه ۱۹۸۰ یافته‌ها و گزارش‌های تحقیقی متعدد، پیامدهای زیست محیطی نامطلوب گردشگری را تأیید کرده‌اند (باتلر، ۱۹۸۰: ۵). وال و اسمیت معتقدند توسعه گردشگری به‌ویژه خانه‌های دوم، با برهم‌زدن زیبایی‌های بصری مقصد و تخریب پوشش گیاهی، به فضاهای جغرافیایی آسیب‌های جبران‌ناپذیر وارد می‌کند. هیلتونن (۲۰۰۷: ۲۴۳) در بررسی خود با عنوان

^۹. Driving force

^{۱۰}. Second home

«اثرات محیطی توسعه گردشگری خانه‌های دوم در فنلاند» به اثرات منفی گردشگری در تغییر شدید کاربری زمین و آلودگی آب دریاچه و تغییر منظر و کاهش کیفیت محیط زندگی مقصد اشاره کرده است.

در کنار اثرات نامطلوب، از نظر جامعه محلی، گردشگری در حوزه کلارآباد تا حد زیادی در توسعه یا دست کم، بهبود وضعیت و کیفیت خدمات زیرساختی مؤثر بوده است. توسعه و بهبود وضع شبکه راه‌های ارتباطی، توسعه و بهبود حمل و نقل عمومی، ارتقای کیفیت و کمیت شبکه آب آشامیدنی سالم در روستاهای حوزه و شکل‌گیری جایگاه‌های متعدد توزیع مواد سوختی در سطح حوزه مورد مطالعه، از جمله اثرات مطلوب گردشگری بوده است که در نهایت بر سطح کیفیت زندگی ساکنان محلی نیز تأثیر گذاشته است. درباره معرف مسکن نیز اثرات گردشگری عمدتاً در دسته اثرات مطلوب قرار می‌گیرد. احداث خانه‌های دوم با استفاده از مصالح مقاوم و جدید و بهره‌گیری از طراحی‌های فنی و مهندسی صورت گرفته است. شکل‌گیری چنین تقاضاهایی در سطح حوزه، باعث افزایش خدمات فنی و مهندسی و مصالح و تجهیزات ساختمانی در سطح حوزه شده است و این امر از نظر جامعه محلی تا حد زیادی در ارتقای کیفیت طراحی و ساخت مسکن روستایی، کاهش خطر در ساخت مسکن و رضایت از فضای طراحی شده مسکونی مؤثر بوده است. در بابت تأثیر گذاری گردشگری بر کیفیت مسکن سطح حوزه (روستایی) مذکور، میانگین گویه‌های مربوط (۲۶.۷۸) از سطح میانگین مورد انتظار (۲۱) فراتر است. از این رو، نقش گردشگری در ارتقای نسبی کیفیت مسکن روستایی حوزه در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است.

رشد فعالیت‌های گردشگری، بهبود خدمات و فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت در مقصد را به دنبال دارد. این امر ضمن تأمین تقاضای گردشگران، بر کیفیت و الگوی گذران اوقات فراغت ساکنان محلی نیز تأثیر گذار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، هم‌زمان با رشد تقاضای گردشگری در حوزه کلارآباد، فضاها و خدمات گردشگری نیز گسترش یافته‌اند. این امر باعث بهبود شاخص‌های گذران اوقات فراغت ساکنان محلی شده است. به طوری که در حال حاضر، مردم محلی بیشتر از فضاهای تفریحی و فراغتی استفاده می‌کنند و تمایل افراد به تفریح و سرگرمی بیشتر شده است. تأسیسات و خدمات تفریحی و گردشگری در سواحل و پلاژهای حوزه کلارآباد گسترش یافته‌اند. تمایل و توان انجام سفرهای تفریحی در جامعه محلی افزایش یافته است و به طور کلی وضعیت و کیفیت خدمات تفریحی و سرگرمی در مقصد تحت تأثیر افزایش تقاضای گردشگران، ارتقا یافته است. در این باب، میانگین گویه‌های مربوط به معرف تفریح و گذران اوقات فراغت (۱۶.۳) از میانگین مورد انتظار (۱۵) بالاتر است و براساس آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای، گردشگری در حوزه کلارآباد در سطح ۹۵ درصد اطمینان بر کیفیت فعالیت‌های تفریحی و گذران اوقات فراغت جامعه محلی تأثیر مثبت داشته است (جدول ۳).

جدول ۳. نگرش مردم به نقش گردشگری در تغییر وضعیت معرف‌های کیفیت زندگی دهستان کلارآباد (آزمون تی نمونه‌ای)

نتیجه آزمون	نقش گردشگری در بهبود					
	ارزش پی	مقدار تی	ارزش تست	تعداد	میانگین پاسخ‌ها	
تأیید فرضیه صفر	<.05	۴.۵۶۷	۱۸	۲۲۰	۱۶.۲	امنیت و سلامت
فرضیه صفر رد	<.05	۱۹.۰۹۰	۲۱	۲۲۰	۲۶.۷۸	کیفیت مسکن
تأیید فرضیه صفر	<.05	-۳۷.۰۰۲	۲۱	۲۲۰	۱۰.۸۹	بهداشت محیط
فرضیه صفر رد	<.05	۱۲.۱۸۶	۲۱	۲۲۰	۲۳.۷	کیفیت زیرساخت‌ها
رد فرضیه صفر	<.05	-۰.۴۸۷	۱۵	۲۲۰	۱۵.۲	اشتغال و درآمد
فرضیه صفر رد	<.05	۴.۹۸۹	۱۵	۲۲۰	۱۶.۳	تفریح و تفرج

متغیرهای مؤثر بر نگرش جامعه محلی به تأثیر گردشگری بر معرف‌های کیفیت زندگی

به منظور بررسی عمیق‌تر نحوه نگرش جامعه محلی به تأثیری که گردشگری بر تغییرات سطح معرف‌های کیفیت زندگی داشته است، تأثیر احتمالی متغیرهای تعدیل‌کننده بر نگرش جامعه نمونه محلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (جدول ۴). یافته‌ها نشان داد متغیرهایی چون گروه سنی، سطح تحصیلات (بی‌سواد، زیر دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر)، منشأ جغرافیایی (بومی، غیر بومی) و سابقه سکونت در محل، تأثیری در نحوه نگرش ساکنان به تأثیر گردشگری بر کیفیت زندگی

مقصد ندارند. به طوری که اعضای هر یک از زیرمجموعه‌های متغیرهای فوق با یکدیگر تفاوت معنی‌داری نداشتند. در عین حال، براساس متغیر جنس، بین زنان با میانگین امتیاز 3.01 و مردان 4.12، تفاوت در سطح $0/03$ معنی‌دار است. اما نگرش هردو گروه مثبت است. براساس متغیر شغل (آزاد، دولتی، محصل و دانشجو، خانه‌دار، بیکار) تفاوت در سطح $0/05$ معنی‌دار است و میان دو قشر شاغل دولتی با شاغلان آزاد تفاوت مشاهده شده است، به طوری که شاغلان بخش آزاد، با میانگین امتیاز 4.26 نسبت به قشر کارمندان دولتی با میانگین امتیاز 3.14، نقش گردشگری را در تغییرات کیفیت زندگی حوزه کلارآباد پررنگ‌تر دانسته‌اند. درباره متغیر وابستگی شغلی فرد به گردشگری، یافته‌ها نشان می‌دهد، بین دو قشر از افرادی که شغل‌شان را به گردشگری وابسته می‌دانستند و کسانی که معتقد بودند شغل‌شان به گردشگری وابسته نیست، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طوری که شاغلان وابسته به گردشگری، با میانگین امتیاز 4.34 نسبت به شاغلان غیر وابسته با میانگین امتیاز 3.02، حمایت بیشتری از نقش و اهمیت گردشگری در بهبود کیفیت زندگی مقصد نشان دادند.

جدول 4. متغیرهای احتمالی مؤثر بر نحوه نگرش جامعه محلی کلارآباد به نقش فعالیت‌های گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه،

۱۳۸۹

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع آزمون و خروجی	نتیجه
گروه سنی	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه	آنوای یکطرفه، آزمون توکی 11، معناداری=0/66	فقدان تفاوت معنی‌دار با توجه به سن
جنس	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی	آزمون تی مستقل، معناداری=0/03	وجود تفاوت معنی‌دار بین زنان 3.0 و مردان 4.12
تحصیلات	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه	آنوای یکطرفه، آزمون توکی، معناداری=0/54	فقدان تفاوت معنی‌دار با توجه به سطح تحصیلات
شغل	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه	آنوای یکطرفه، آزمون توکی، معناداری=0/05	وجود تفاوت معنی‌دار بین دو قشر شاغل دولتی با شاغلان آزاد معناداری=0/04
منشأ جغرافیایی	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه	آزمون تی مستقل، معناداری=0/34	فقدان تفاوت معنی‌دار
سابقه سکونت در حوزه	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه	آنوای یکطرفه، آزمون توکی، معناداری=0/12	فقدان تفاوت معنی‌دار
وابستگی شغلی به گردشگری	نگرش به نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه	آنوای یکطرفه، آزمون توکی، معناداری=0/08	وجود تفاوت معنی‌دار بین دو قشری که شغل‌شان را به گردشگری وابسته می‌دانستند و کسانی که شغل‌شان به گردشگری وابسته نیست. معناداری=0.008

بحث و نتیجه‌گیری

اصلی‌ترین نتیجه این تحقیق این است که گردشگری در حوزه مورد مطالعه در بروز تغییرات در مؤلفه‌های منتخب (این تحقیق) از سطح کیفیت زندگی جامعه محلی تأثیرگذار بوده است. از آنجا که تغییر وضعیت مؤلفه‌های کیفیت زندگی براساس شاخص‌های ذهنی مبتنی بر درک^{۱۲} و نگرش جامعه محلی تحلیل شده و براساس مشاهدات عینی و چک‌لیست محققان تدقیق شده است، نتایج آن قابل اعتماد است. نتایج نشان می‌دهد در میزان درک و نوع نگرش جامعه میزبان به کارکرد و اهمیت گردشگری در بروز تغییرات کیفیت زندگی مقصد، متغیرهایی چون جنس، شغل و وابستگی شغلی و درآمدی به گردشگری مؤثر است. به طوری که مردان بیش

¹¹Tukey

¹²-Perception

از زنان، شاغلان بخش خصوصی و آزاد بیش از کارکنان دولت، وابستگان شغلی به خدمات گردشگری بیش از سایر گروه‌های شغلی بر اهمیت و جایگاه گردشگری در بروز تغییرات و البته بهبود کیفیت زندگی مقصد تأکید دارند. سایر نتایج تحقیق نشان می‌دهد نقش گردشگری در کیفیت زندگی میزبان اساساً مطلوب و مثبت نبوده است. تخریب و دست‌اندازی به حریم منابع طبیعی و چشم‌اندازهای بکر، افزایش میزان زباله و مواد زاید در محیط زندگی میزبان، کاهش سطح شاخص‌های امنیت و سلامت و به طور کلی کاهش کیفیت محیطی و سلامت و امنیت از جمله پیامدهای رشد فعالیت‌های گردشگری در جامعه محلی مورد مطالعه است. در ادبیات گردشگری پایدار، اطلاق عامل پیشران به این‌گونه رشد و توسعه‌ای که علاوه بر تحریک وضعیت، تخریب منابع و دارایی‌های جامعه را در پی داشته باشد، اشتباه است و این نوع توسعه، عامل محرک در فرآیند تغییر و تحول جامعه تلقی می‌شود. بر این اساس، در حوزه مذکور، گردشگری در کنار تأثیرات محرک و مطلوب در تغییرات کیفیت زندگی جامعه محلی، در رابطه با مؤلفه‌های حساس کیفیت زندگی جامعه محلی، رفتاری مخرب داشته است و این تضاد و ادامه روند آن با تأثیرگذاری بر بنیان‌های محیطی و اجتماعی مقصد، مسیری پایدار برای توسعه جامعه محلی نخواهد بود. این تحقیق در فرآیند تدوین با محدودیت‌هایی مواجه بود. از این رو، پایه تحلیل‌ها مبتنی است بر شاخص‌های ذهنی که محققان سعی کردند از طریق بازدیدهای میدانی و تهیه چک‌لیست، عمق و عینیت بیشتری به آن‌ها ببخشند. به سایر محققان پیشنهاد می‌شود با استناد به شاخص‌های عینی این موضوع را پیگیری کنند. هم‌چنین با استفاده از مدل تحلیلی مبتنی بر دوره‌های زمانی، تغییرات کیفیت زندگی در مقصد را پیش‌کنند یا آن را در قالب مدل‌های ارزیابی پایداری، به موضوع توسعه پایدار گردشگری پیوند دهند. هم‌چنین پرداختن به سایر شاخص‌ها و مؤلفه‌های کیفیت زندگی به محققان پیشنهاد می‌شود.

نتایج این تحقیق مبتنی بر شاخص‌های ذهنی و بازدیدهای میدانی محققان با استفاده از ابزار چک‌لیست، نشان می‌دهد، نقش فعالیت‌های بخش گردشگری در تغییرات برخی مؤلفه‌های کیفیت زندگی ساکنان محلی دهستان کلارآباد پررنگ بوده است. در این تحقیق، نقش گردشگری در کیفیت زندگی ساکنان مقصد بر اساس شاخص‌های کیفیت امنیت و سلامت، کیفیت مسکن، بهداشت محیط، کیفیت زیرساخت‌ها، وضعیت اشتغال و درآمد و کیفیت تفریح و تفرج مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از اثرات متفاوت گردشگری بر سطح کیفیت زندگی جامعه محلی است. به طوری که در معرف‌های سلامت و امنیت، نقش گردشگری نامطلوب ارزیابی شده است. این موضوع به دلیل رفتار مخرب و غیرمسئولانه گردشگران، در شیوه بهره‌برداری از منابع و فضاهای طبیعی، در مورد معرف کیفیت و بهداشت محیطی نیز صادق است. در این مورد، جامعه محلی معتقدند، گردشگری درحوزه مذکور، افزایش دورریز زباله و مواد زاید در محیط، اتلاف و آلودگی منابع آب، تخریب و فرسایش خاک، تخریب سواحل و دست‌اندازی به حریم منابع طبیعی و تخریب چشم‌اندازهای بکر طبیعی را در پی داشته است. در عین حال، اثرات گردشگری بر سطح کیفیت زندگی در حوزه تحقیق، فقط در اثرات منفی و نامطلوب خلاصه نمی‌شود، بلکه رشد فعالیت‌های گردشگری در مقصد مذکور زمینه‌ساز رشد فرصت‌های شغلی و تغییرات مثبت درآمد سرانه اهالی نیز شده است. به طوری که بهبود وضعیت گویه‌هایی چون میزان رضایت از درآمد، امید به آینده شغلی و پس‌انداز کافی در میان اهالی حوزه مشهود است. گردشگری از بعد کیفیت خدمات زیرساختی نیز باعث بهبود شاخص‌هایی چون توسعه راه‌های ارتباطی، گسترش خدمات حمل و نقل عمومی، توسعه شبکه آب آشامیدنی سالم و استقرار جایگاه توزیع مواد سوختی شده است. در بعد کیفیت مسکن، ارتقای کیفیت و کاهش خطر در طراحی و ساخت مسکن و رضایت از فضای مسکونی، تا حد زیادی نتیجه گسترش خدمات فنی، مهندسی و اجرایی در پاسخ به تقاضای ساخت و ساز خانه‌های دوم درحوزه کلارآباد است. این موضوع درمورد کیفیت فضاها و خدمات تفریحی و گذران اوقات فراغت در حوزه و تأثیر بر تمایل جامعه محلی به فعالیت‌های تفریحی و اهمیت‌یابی آن در زندگی آنان نیز صادق است. سایر نتایج این تحقیق نشان داد نگرش و درک جامعه محلی درباره نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی حوزه‌شان تحت تأثیر متغیرهایی چون گروه سنی، تحصیلات، منشأ جغرافیایی و سابقه سکونت قرار ندارد، اما در زمینه نگرش جامعه محلی به اهمیت گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی ساکنان بومی، متغیرهایی چون جنس، نوع شغل، میزان وابستگی فعالیت افراد به گردشگری و نگرش آنان به توسعه آینده حوزه، تحت تأثیر گردشگری تفاوت معنی‌داری میان افراد مشاهده می‌شود.

منابع

- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۵) کیفیت زندگی و راهبردهای اصلاحی، نشریه دهاتی، شماره ۲۸: ۳۱-۳۷.
- خوارزمی، شهین دخت (۱۳۸۳) کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران ۲، تهران: شبکه فن آوری اطلاعات ایران.
- دهداری، طاهره (۱۳۸۱) بررسی تأثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران با عمل جراحی قلب باز، رساله کارشناسی ارشد، به راهنمایی علیرضا حیدرنیا، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس.
- ربانی خوراسگانی، علی و مسعود کیانپور (۱۳۸۶) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، مطالعه موردی اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ویژه نامه علوم اجتماعی ۴، دوره ۱۵، شماره ۵۸-۵۹: ۶۷-۱۰۸.
- کردزنگنه، جعفر (۱۳۸۱) بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سالمندان و عوامل مؤثر بر آن، رساله کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمد میرزایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کرمی یوسف (۱۳۸۴) روان شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.
- ماجدی، سیدمسعود و عبدالعلی لهسایی زاده (۱۳۸۵) بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی، مطالعه موردی روستاهای استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، ۹(۴): ۹۱-۱۳۵.
- Allen, L. R. P. T Long, R. R. Perdue & Kieselbach (1988) "The Impact of Tourism Development on Resident's Perception of Community Life", *Journal of Travel Research*, 27 (1): 16-21.
- Anderreck, K. L. (1995) "Environmental Consequences of Tourism: A Review of Recent Research ,Linking Tourism the Environmental and Sustainability", topical volume of compiled papers from a spatial session of the annual meeting of the national recreation and park association.
- Ap, J. and J. L. Crompton (1993) "Residents' Strategies for Responding to Tourism Impacts", *Journal of Travel Research*, 32 (1): 47-50.
- Ap, J. (1990) "Residents' Perceptions Research on the Social Impacts of Tourism", *Annals of Tourism Research*, 17 (4): 610-616.
- Benzeval, M., K. Judge, M. Whitehead M. (1995) *Tackling Inequalities in Health*, London: Kings Fund.
- Biderman, A. D. (1974) "Social Indicators", in Robert L. Clewett & Jerry C. Olson, *Whence and Whither in Social Indicators and Marketing*: 27-44.
- Butler R., M. Hall & John Jenkins (1998) *Tourism and Recreation in Rural Areas*, New Jersey: John Wiley and Sons Ltd.,
- Choi, H (2003) *Measurement of Sustainable Development Progress for Managing Community Tourism*, Texas: University of Texas,
- Cohen, E. (1987) "The Impact of Tourism on the Physical Environmental", *Annals of Tourism Research*, 5 (2): 215-230.
- Cramer, V., S. Torgersen and E. Kringlen (2004) "Quqlity of Life in a City: The Effect of Population Density", *Social Indicators Research*, 69: 103-116.
- Cummins, R. A. (1997) "The Domain of Life Satisfaction: An Attempt to Order Chaos", *Social Indicator Research*, 38: 303-328.
- Delfim Saantos, Luise and Isabel Martin (2006) "Monitoring Urban Quality of Life Experience", *Social Indicators Research*, 80: 411-425.
- Gamper, J. A. (1981) "Tourism in Austria: A case Study of the Influence of Tourism on Ethnic Relations", *Annals of Tourism Research*, 8 (3): 432-446.
- Getz, M. and Y. C. Huang (1978) "Consumer Revealed Preference for Environmental Goods", *Review of Economics and Statistics*, 60: 449-458.
- Hall. C. M. (1994) *Tourism and Politics: Policy, Power and Place*, Chichester: Wiley.
- Hall. C. M. and J. Stephen (2002) *The Geography of Tourism and Recreation*, London: Routledge.
- Hall. C. M. (2000) *Tourism Planning*; New Jersey: Pearson education limited;
- Hills, J. (1995) *Inquiry into Income and Wealth, Vol. 2*. York: Joseph Rowntree Foundation.
- Hiltunen, Mervi. J. (2007) "Environmental Impacts of Rural Second Home Tourism – Case Lake District in Finland", *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, 7 (3): 243-265.
- Janet D. Neal, M. Joseph Sirgy and Muzaffer Uysal (2004) "Measuring the Effect of Tourism Services on Travelers' Quality of Life: Further Validation", *Journal of Social Indicators Research*, 69: 243-277.
- Kathleen L. Anderreck; Karin M. Valentine, Christine A. Vogt, Richard C. Knopf (2007) "A Cross-cultural Analysis of Tourism and Quality of Life Perceptions", *Journal of Sustainable Tourism*, 15 (5): 484-

- Kim, K. (2002) *The Effects of Tourism Impacts upon Quality of Life of Residents in the Community*, Dissertation submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Ph.D.
- King, A., Pizam and A. Milmen (1993) "Social Impacts of Tourism Host Perceptions", *Annals of Tourism Research*, 20 (4): 650-665.
- Lawson, R. W., J. Williams, T. Young and J. Cossens (1998) A Comparison of Residents' Attitudes towards Tourism in 10 New Zealand Destinations", *Journal of Tourism Management*, 19 (3): 247-256.
- Liu, Juanita C. and Turgut Var (1986) "Resident Attitudes towards Tourism Impacts in Hawaii", *Annals of Tourism Research*, 13 (2): 193-214.
- Liu, Juanita C., J. Sheldon and T. Var (1987) "Resident Perception of the Environmental Impacts", *Annals of Tourism Research*, 14 (1): 17-37.
- Mathieson, A., and G. Wall (1982) *Tourism: Economic, Physical and Social Impacts*, London: Longman.
- Mccoll, S. F., and S. R. Martin (1994) Community Attachment and Attitudes toward Tourism Development, *Journal of Travel Research*, 32: 29-34.
- Michael J. Meitner, Howard W. Harshaw, Stephen R. J. Sheppard and Paul Picard (2006) "Quality-of-Life Indicators, *BC Journal of Ecosystems and Management*, 45 (4): 88-99.
- Murphy, P. E. (1981) "Community Attitudes to Tourism a Comparative Analysis", *Tourism Management*, 2 (3): 66-87.
- Pal, A. K., Kumar, U. C. (2005) "Quality of life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India", *Rural Development*, 4 (2): 122-135.
- Perduem, Richard R. and Patrick T. Long, Yong Soon Kang, (1999) "Boomtown Tourism and Resident Quality of Life: The Marketing of Gaming to Host Community Residents", *Journal of Business Research*, 44 (3): 165-17.
- Pizam, A. (1978) "Tourism's Impacts: The Social Costs to the Destination Community as Perceived by its Residents", *Journal of Travel Research*, 16 (4):8-12.
- Pizam, A. (1982) "Tourism and Crime: Is there a Relationship?", *Journal of Travel Research*, 20 (3): 7-10.
- Polinsky, A. M. and Rubinfeld, D. L. (1977) "Property Values and the Benefits of Environmental Improvements: Theory and Measurement, in L. Wingo and A. Evans (Eds.) *Public Economics and the Quality of Life*, Baltimore: John Hopkins University Press (for Resources for the Future): 154-180.
- Ridker, R. G. and Henning, J. A. (1967) "The Determinants of Residential Property Values with Special Reference to Air Pollution", *Review of Economics and Statistics*, 49: 246-257.
- Rosen, S. (1979) Wages-based Indexes of Urban Quality of Life, in P. Mieszkowski and M. Straszheim (Eds.) *Current Issues in Urban Economics*, Baltimore: Johns Hopkins University Press: 74-104.
- Schlemmer, L. and V. Moller (1997) The Shape of South African Society and its Challenges, *Social Indicators Research*, 41 (3): 15-50.
- Sheldon P. and V. Turgut (1985) "Tourism Forecasting: A Review of Empirical Research", *Journal of Forecasting*, 4 (2): 183-195.
- Smith, D. Michael and S. Richard Krannich (1998) "Tourism Dependence and Resident Attitudes", *Annals of Tourism Research*, 25 (4): 783-802.
- Travis, A. S. (1984) "Social and Cultural Aspect of Tourism", *UNEP Industry and Environment*, 7 (1): 113-130.
- William W. Ellis (1988) The Color Line and the Quality of Life in America", *Journal of the American Statistical Association*, 83 (4): 917-918.
- Williams, A., and G. Shaw (1988) *Tourism and Development in Tourism Economic: Western European Experience*, London: Wiely.